

## سقط جنین؛ ترجیح حیات مادر یا حیات جنین

جعفر کوشا<sup>۱</sup>

امیر سماواتی پیروز<sup>۲</sup>

### چکیده

سقط جنین را می‌توان حول محور دو حق بنیادین مورد واکاوی قرارداد. نخست، حق مادر برای داشتن دوران بارداری و دوم حق جنین مبنی بر حیات در دوران بارداری؛ از این رو، مبنای جرم‌انگاری سقط جنین ترجیح یکی از این دو حق می‌باشد. نگارندگان در این نوشتار می‌کوشند از رهگذر تبیین عناصر متشکله‌ی جرم سقط جنین و ملاک تحقق این جرم، دو دیدگاه را مورد بررسی قرار دهند: دیدگاه نخست سقط جنین را ناظر به انقطاع عمدی دوران بارداری دانسته و لذا مبنای جرم‌انگاری را حمایت از حق مادر نهاده است و دیدگاه دوم سقط جنین را اخراج عمدی جنین از رحم مشروط به آنکه قابل زیست نباشد تلقی نموده است؛ بنابراین، جرم‌انگاری سقط جنین را بر مبنای حمایت از حق جنین بنا نهاده است. بی‌تردید، اتخاذ هر یک از این دو دیدگاه در حقوق جزای پزشکی آثار متفاوت حقوقی را به دنبال خواهد داشت. لذا این نوشتار بر آن است تا از منظر ارکان تحقق جرم سقط جنین و نحوه‌ی واکنش کیفری قانون‌گذار در قبال این جرم، مبنای متخذه در جرم‌انگاری سقط جنین را با نگاهی اجمالی به رویکرد قانون‌گذار فرانسوی و با تأکید بر نگرش حاکم بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ ه. ش. مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

### واژگان کلیدی

سقط جنین؛ حق مادر؛ حق حیات جنین؛ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ ه. ش.

۱. جعفر کوشا: عضو هیأت علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، رییس انجمن ایرانی جرم‌شناسی، رییس مرکز و کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو در دانشگاه شهید بهشتی
۲. امیر سماواتی پیروز: پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، عضو هیأت علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، رییس کمیته‌ی پژوهش انجمن علمی حقوق پزشکی ایران، رییس کتابخانه و رییس گروه عدالت کیفری و حقوق بشر مرکز و کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو در دانشگاه شهید بهشتی. (نویسنده‌ی مسؤل)

### سقط جنین؛ ترجیح حیات مادر یا حیات جنین

سقط جنین از لحاظ پزشکی عبارت است از اخراج قبل از موعد جنین به نحوی که قابل زیستن نباشد. از لحاظ حقوقی نیز سقط جنین عبارت است از اخراج عمدی جنین قبل از موعد یا حمل به نحوی که زنده یا قابل زیستن نباشد یا به تعبیر دیگر منقطع ساختن دوران طبیعی بارداری. (عباسی، ۱۳۸۸) واژه‌ی جنین در ترمینولوژی حقوق عبارت است از فرزند، مادام که در رحم مادر باشد. مبدأ جنین ابتدای آبستنی و منتهای آن لحظه ماقبل ولادت است. در اینجا لازم است به تفاوت سقط جنین با وضع حمل خارج از موعد اشاره کنیم. وضع حمل خارج از موعد، به اخراج جنین زنده و قابل زیستن قبل یا پس از موعد اطلاق می‌گردد و این عمل بین ۶ ماه تا حداکثر ۱۰ ماه امکان‌پذیر است. بنابراین، سقط جنین با وضع حمل غیرعادی متفاوت است که در بعضی از مواقع اخراج حمل قبل از موعد به اخراج قبل از موعد مراحل تکوینی و مراحل رشد جنین اطلاق می‌گردد. (هدایت، ۲۰۰۶م.) در تعریف سقط جنین به‌طور کلی در قوانین کشورهای مختلف باید به هدف قانون‌گذار توجه نمود. به‌طور کلی می‌توان گفت در جرم سقط جنین علی‌القاعده دو هدف قابل تعقیب است: ۱. هدف قانون‌گذاری که حمایت از وجود و حیات طفل است؛ ۲. هدف دوم که تأمین تکامل عادی و طبیعی دوران بارداری مادر است.

اگر هدف اول را در قانون‌گذاری مدنظر قرار دهیم در این صورت سقط جنین نوعی از قتل نفس تلقی خواهد شد و چنانچه عمل شخصی با اخراج جنین، منتهی به فوت جنین نشود قتل نفس یا سقط جنین محقق نخواهد شد به‌عبارتی سقط جنین با فوت جنین تحقق خواهد یافت اما اگر هدف دوم را مدنظر قرار دهیم در این صورت، تلف شدن یا مرگ جنین شرط تحقق جرم نخواهد بود؛ لذا همین که

اخراج جنین یا حمل به صورت عمدی یعنی منقطع ساختن دوران طبیعی بارداری صورت گیرد چنین عملی جرم خواهد بود. (لسلی، ۱۹۷۹م). بنابراین با توجه به نظریه‌ی دوم، سقط جنین در هر مرحله از مراحل بارداری حتی در مرحله‌ی ابتدایی هم قابل مجازات است. در حالی که با توجه به نظریه‌ی اول اخراج عمدی حمل در صورتی که جنین قابلیت زیستن نداشته باشد عنوان مجرمانه خواهد داشت. (مدوف، ۲۰۰۲م).

ماده‌ی ۱۸۰ قانون جزای سابق اذعان می داشت: «هر کسی به واسطه‌ی ضرب یا هر نوع اذیتی عمداً موجب سقط جنین گردد به حبس با اعمال شاقه از ۳ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد.» همچنین در ماده‌ی ۶۲۲ از قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ مقنن اشعار می دارد: «هر کس عالماً، عامداً به واسطه‌ی ضرب یا اذیت و آزار زن باردار، موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص، حسب مورد به حبس از ۱ تا ۳ سال محکوم خواهد شد.» در اینجا این سؤال مطرح می شود که مقنن در این مواد قانونی از کدام یک از این دو نظر تبعیت نموده است؟ آیا هدف مقنن در وضع وصف مجرمانه‌ی سقط جنین، حمایت از وجود و حیات طفل را تأمین می کند و یا اینکه تأمین تکامل عادی و طبیعی دوران بارداری مادر را مدنظر داشته است؟ به نظر می رسد برای پاسخ به این سؤال لازم است عنوان مجرمانه‌ی سقط جنین را تحت یکی از عناوین مجرمانه مورد بررسی قرار دهیم تا پس از ملاحظه‌ی عناصر تشکیل دهنده‌ی این جرم مشخص کنیم که مقنن از کدام نظر تبعیت کرده است. مواد قانونی که در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرند، عبارتند از: الف) مواد ۱۸۰ تا ۱۸۴ قانون مجازات سابق ب) قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ هـ. ش. مواد ۹۰ و ۹۱ از قانون تعزیرات و مواد ۱۹۴ تا ۲۰۰ قانون دیات ج) قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ هـ. ش. مواد ۴۸۷ تا ۴۹۴ از قانون دیات

د) قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ هـ. ش. مواد ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴ و نیز مواد ۷۱۵ و ۷۱۶ از قانون تعزیرات و ماده‌ی ۴۹۳ از قانون دیات

### الف) عناصر تشکیل‌دهنده‌ی جرم سقط جنین

جرم سقط جنین نیز مانند سایر جرایم دارای عناصر و ارکانی است که باید از لحاظ عناصر قانونی، مادی و معنوی مورد بحث قرار گیرد.

۱. رکن اول، اخراج حمل یا جنین قبل از موعد طبیعی زایمان است. اولین شرط در وقوع جرم سقط جنین این است که زن باردار باشد یعنی نطفه‌ی انسان در رحم او منعقد شده و در حال رشد و نمو باشد. در مواردی که در لحظه‌ی ارتکاب عمل، جنین تلف شده باشد یا خارج از رحم زن، جنین از نظر شکل و تکامل متوقف گردد و حیات آن دچار اشکال شود در اطلاق عنوان زن آبستن دچار اشکال خواهیم بود. به‌طور کلی، در حقوق جزای ایران و فرانسه در تبیین اینکه آیا سقط جنین از جرایم مطلق است یا مقید، اختلاف نظر وجود دارد.

با عنایت به مواد قانونی در دو نظام حقوقی فوق‌الذکر می‌توان گفت در حقوق ایران، جرم سقط جنین از جرایم مقید محسوب می‌گردد و متوقف و منوط به تحقق نتیجه است یعنی زن باید در لحظه‌ی ارتکاب جرم، باردار باشد و شخص جنین را به‌طور عمدی اخراج کند و این نتیجه در بیرون هم حاصل گردد. در حالی که در حقوق فرانسه، جرم سقط جنین از جرایم مطلق است؛ بدین معنی که متوقف به حصول نتیجه نیست. (قانون جزای فرانسه، ۲۰۱۰ م.)

دومین شرط در وقوع جرم سقط جنین آن است که جنین قبل از موعد طبیعی با وسیله‌ای غیرطبیعی اخراج شود. (ورنون، ۲۰۰۲ م.) در مورد اخراج جنین و اینکه در چه زمانی جنین استقرار پیدا می‌کند بین نظام‌های حقوقی کشورها از نظر تفکر و

بینش و فلسفه‌ی وجودی جنین اتفاق نظر وجود ندارد. (یوسف علی، ۲۰۰۲م؛ بوون، ۱۹۹۷م.) در مورد سقط جنین از نظر حقوق اسلام باید گفت که از همان مراحل ابتدایی، جنین مستقر خواهد شد و مراحل تکوینی آن به صورت مراحل ذیل قابل تصوّر است:

مرحله‌ی نخست، ورود و استقرار نطفه است و معمولاً جنین تا ۴۰ روز مستقر خواهد شد؛ مرحله‌ی دوم، دوره‌ی علقه است که نطفه به صورت خون بسته خواهد بود؛ مرحله‌ی سوم، دوره‌ی مضغه است که به صورت گوشت می‌باشد؛ مرحله‌ی چهارم، دوره‌ی عظم است که استخوان‌ها به وجود می‌آیند و مرحله‌ی پنجم، مرحله‌ی حلول روح است و حکم انسان زنده را پیدا می‌کند. (ساشادینا، ۲۰۰۹م.) تقریباً در حدود ۴ تا ۴/۵ ماه از زمان نزدیکی، مرحله‌ی پنجم یعنی حلول روح واقع می‌شود لذا در حقوق جزای اسلامی اگر اسقاط عمدی قبل از این مدت انجام گیرد مستوجب پرداخت دیه است اما در صورتی که پس از این مدت، جرم سقط جنین به صورت عمدی ارتکاب یابد مستوجب قصاص خواهد بود. (آسمان، ۲۰۰۴م.) مقنن در ماده‌ی ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ هـ. ش. مقرر می‌دارد: «هرکس عالمأً، عامداً به واسطه‌ی ضرب یا اذیت و آزار زن حامله موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص بر حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.» در توضیح این ماده باید گفت دیه برای قبل از حلول روح است و قصاص بعد از حلول روح می‌باشد. البته در قانون فوق مدت چهار یا ۴/۵ ماه است و این مدت نظر فقهاست که معمولاً در این مدت روح در جنین دمیده می‌شود.

حال این سؤال مطرح می‌شود: اگر پزشکی جنین را اخراج کند و حیات جنین ادامه پیدا کند عمل وی از مصادیق سقط جنین است یا خیر؟ در پاسخ باید اذعان

داشت که در عرف، چنین عملی از مصادیق سقط است اما از نظر حقوقی این اخراج عمدی وقتی سقط است که جنین قابل زیستن نباشد. نکته‌ی دیگر این که وسایلی که برای اخراج به کار گرفته می‌شود چه وسایلی می‌تواند باشد؟ در قانون مجازات اسلامی دو وسیله ذکر شده است: نخست وسایلی که جنبه‌ی فیزیکی دارند مانند ضرب، اذیت و آزار و دیگری وسایلی که جنبه‌ی شیمیایی دارند مانند استفاده از ادویه و دارو.

به‌علاوه، در جرم سقط جنین باید فاعل جرم سوء نیت داشته باشد یعنی هم علم به بارداری و زن داشته باشد و هم عمل ارتكابی را به قصد سقط جنین انجام دهد. (اوتکا و بروکوپ، ۲۰۰۲م). پس اگر شخصی عملی را عمداً انجام دهد ولی علم به بارداری و زن نداشته باشد یا اینکه علم به بارداری دارد ولی عملش غیرعمدی است، جرم سقط جنین محقق نمی‌گردد. (مگویر، ۲۰۰۱م). از عوامل تحقق سوء نیت در جرم سقط جنین وجود قصد برای ارتكاب فعل مجرمانه علاوه بر علم به بارداری و زن است؛ لذا اگر ایراد ضرب عمدی بدون قصد سقط جنین احراز گردد عنوان خاص مجرمانه‌ی دیگر خواهد داشت و به‌عنوان ایراد ضرب عمدی، خود جرمی مستقل می‌باشد و نیز ایراد ضرب غیرعمدی نیز عنوان خاص دیگری خواهد داشت.

### ب) مجازات سقط جنین

مجازات سقط جنین گاهی براساس و به اعتبار وسیله‌ای است که شخص به کار می‌گیرد. (کپتین، ۲۰۰۴م). اولین وسیله‌ای که مورد توجه مقنن است سقط به وسیله‌ی صدمات بدنی است. (ماده‌ی ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵هـ. ش.) باید توجه داشت این‌گونه صدمات در حالی موجبات سقط جنین را فراهم می‌آورند که

غیرمشروع باشند؛ مثلاً سقطی که به موجب نزدیکی مردی با همسر باردارش صورت می‌گیرد و موجب مرگ جنین می‌گردد از مصادیق جرم سقط جنین به حساب نمی‌آید. در بحث مجازات همه قانون‌گذاران اتفاق نظر دارند که ظهور مجازات بستگی به این دارد که مرتکب از چه جایگاه و مقام اجتماعی برخوردار باشد؛ لذا مثلاً مجازات نسبت به پزشکان تصریح می‌گردد. به نظر می‌آید با عنایت به ماده‌ی ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ هـ. ش. در مورد بحث قصاص مقنن بین وسایل ارتكابی یعنی ضرب و اذیت یا اقدام پزشک تفکیک قایل شده است.

#### ۱. مجازات به اعتبار شخصیت مرتکب

سقط به وسیله‌ی پزشکان و متخصصان امور پزشکی؛ این‌گونه اشخاص از آن جهت که درباره‌ی سقط توانایی دارند مورد خطاب قانون‌گذار قرار گرفته‌اند و مجازات‌ها در قبال این اشخاص به لحاظ موقعیت شغلیشان تعیین شده است. علاوه بر پزشک، ماما و داروفروش و کسانی که دارای پروانه‌ی تخصص در این زمینه هستند و این مسأله شامل کسانی که در این امور به‌نحوی مداخله دارند نیز می‌شود. مقنن در ماده‌ی ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ هـ. ش. با ذکر عبارت «اشخاصی که به‌عنوان طبابت... اقدام می‌کنند» از آنان نام برده است. شاید منظور کسانی باشند که در این امور به تحصیل اشتغال داشته یا به‌نحوی با متخصصان فن همکاری دارند، از جمله دانشجویان رشته‌ی پزشکی. به هر حال در مقایسه‌ی مواد قانونی سال ۱۳۶۱ و ۱۳۷۵ هـ. ش. می‌توان استدلال کرد که اگر پزشک یا ماما مباشرت در اسقاط جنین کنند، طبق ماده‌ی ۹۱ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ هـ. ش. اگر قبل از دمیدن روح باشد ملزم به پرداخت دیه و در صورت دمیدن روح، ملزم به قصاص می‌باشند. در حالی که در ماده‌ی ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی

سال ۱۳۷۵ هـ. ش. عبارت «حبس از دو تا پنج سال به علاوه‌ی پرداخت دیه» آمده است.

در مقایسه‌ی مواد ۹۱ و ۶۲۴ این سؤال مطرح می‌گردد که اگر روح در جنین دمیده شده باشد و طبیب مبادرت به اسقاط جنین کند با توجه به ماده‌ی ۶۲۴ آیا مرتکب، محکوم به قصاص خواهد بود؟ مقنن فقط در موارد آزار و اذیت بدنی قصاص را ذکر کرده است لذا مواد ۶۲۴ و ۶۲۳ در مواردی قابل اعمال است که از وسایل شیمیایی استفاده شود حال آنکه در ماده‌ی ۹۱ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ در صورت دمیده شدن روح در جنین، حکم به قصاص کرده بود. هر چند ماده‌ی ۶۲۴ از واژه‌ی «قصاص» استفاده نکرده است با توجه به عموماًت قانون قصاص اگر جنین ذی‌روح به‌عنوان یک نفس شناخته شود در این مورد هم می‌توان گفت در مقابل نفسی که از بین رفته است نفس باید از بین برود و شاید هم مقنن مجازاتی را که در ماده‌ی ۶۲۴ اعلام داشته است ناظر به موردی دانسته است که جنین هنوز ذی‌روح نیست. از آنجا که ماده‌ی ۶۲۴ در قانون تعزیرات آمده است و قانون تعزیرات در مقام بیان مجازات‌های عمومی است در نتیجه، مجازات قصاص در اینجا به لحاظ عدم تطابق عنوان، خارج از موضوع است.

اشکالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که ماده‌ی ۶۲۲ که در همین فصل آمده و تعزیراتی است چرا مجازات قصاص را ذکر کرده است؟ از آنجایی که اقدام پزشک یا ماما به سبب درخواست زن باردار است قانون‌گذار زن را به عنوان مباشر جرم سقط و پزشک را به عنوان معاون در نظر گرفته است و برای فعل معاونت او صرف‌نظر از آنکه جنین در چه مرحله‌ای قرار دارد مجازاتی را تصریح کرده است. مطلب دیگر آنکه اگر بخواهیم برای قصاص پزشک به



عمومات توجه داشته باشیم گرچه توجیه خوبی خواهد بود لیکن خلأ عنصر قانونی را در ماده‌ی مورد بحث پر نخواهد کرد.

## ۲. سقط جنین در حالت ضرورت

اگر در حالت ضرورت یعنی در مواردی که حفظ حیات مادر ایجاب می‌کند جنین یا حامل به‌نحوی سقط شود می‌توان حکم به جواز اسقاط جنین داد؟ در سال ۱۳۴۸هـ. ش. ماده‌ی ۱۷ آیین‌نامه‌ی انتظامی پزشکی مصوب کمیسیون مشترک دادگستری دو مجلس (شورا و سنا) در سال ۱۳۴۸هـ. ش. مقرر نمود: «پزشکان باید در موارد اضطراری، ضرورت سقط را به هیأت مدیره‌ی نظام پزشکی گزارش دهند، در غیر این صورت قابل تعقیب می‌باشند». شورای نگهبان در اظهار نظر خود در این باره اعلام کرد: «ماده‌ی ۱۷ که دلالت بر جواز سقط جنین برای سلامت مادر دارد به‌طور اطلاق شرعی نیست و چون سقط برای سلامت مادر صور مختلفی دارد با موارد آن مشخص می‌گردد؛ مثلاً در مواردی که قبل از دمیده شدن روح در جنین خوف عقلایی یا یقین حاصل گردد به تلف شدن مادر، در این حالت سقط جایز است اما در مورد ذی‌روح شدن جنین اگر امر دایر باشد به حفظ یکی از آن دو، در این حالت سقط برای حفظ جان مادر جایز نیست و در سایر موارد نیز باید مشخص شود و حکم مطابق موضوع تعیین گردد». در توضیح این نظر شورای نگهبان، استنباط می‌شود در مواردی که جنین ذی‌روح است در حکم نفس دارای حرمت است و در ترجیح نفس مادر نسبت به جنین دلیلی بر ترجیح جان مادر نیست اما در حالتی که جنین ذی‌روح نمی‌باشد نفس مادر بر جنین مرجح است. (محقق داماد، ۱۳۸۹)

### ۳. سقط حمل توسط خود زن

به طور کلی در جرم سقط جنین مباشرت در جرم ممکن است توسط زن یا پزشک و یا شخص ثالثی صورت گیرد. در مواردی که زن در سقط جنین مباشرت می کند، مواد ۶۲۳ و ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ هـ. ش. برای زن مجازاتی پیش بینی کرده است. ممکن است زن در ارتکاب جرم نقش معاونت داشته باشد که در اینجا نیز به عنوان معاون تحت تعقیب قرار می گیرد. حالت سوم، حالتی است که زن نه مباشر است و نه معاون بلکه به اکراه و ادار به سقط جنین می شود. (مدوف، ۲۰۰۷) در نتیجه می توان سه حالت را فرض نمود:

- حالت اول: پزشک یا شخص ثالث یا شوهر به وجود جنین علم دارند و قصد هم وجود دارد اما زن در حال اکراه است؛ در این حالت، پزشک مباشر است. (البته با توجه به قاعده «هرگاه اکراه وجود داشته باشد مجازات بر اکراه کننده بار می شود».)
- حالت دوم: زن مباشر است و شخص ثالث یا پزشک معاون می باشد؛ یعنی علم به وجود جنین ندارد و نیز علم به قصد شخص مرتکب دارد و در این حالت وسایل را در اختیار او قرار می دهد.
- حالت سوم: زن معاون است و پزشک یا شخص ثالث، مباشر جرم سقط جنین می باشد.

### ۴. اسقاط غیر عمدی حمل

در مواردی که ضرب و جرح عمدی بدون قصد نتیجه است آن را به عنوان اسقاط غیر عمدی حمل در نظر گرفت. (گوگین، ۱۹۹۳ م.) در واقع باید بین دو مفهوم سقط جنین و وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی قایل به تفکیک شد. (هدایت،

شوشتی‌زاده و رازا، ۲۰۰۶م.) در مواردی که شخص به‌صورت غیرعمد مرتکب عملی گردد که در نتیجه‌ی آن، زن ناگزیر به وضع حمل قبل از موعد طبیعی شود طبق قانون حکم دیگری وجود دارد. در قانون تعزیرات ۱۳۷۵هـ. ش. در مواد ۷۱۵ و ۷۱۶ در باب جرایم ناشی از تخلفات رانندگی آمده است: «هرگاه در اثر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی و عدم مهارت یا عدم رعایت نظامات دولتی، شخصی موجب سقط گردد مرتکب، به حبس از ۲ ماه تا یک‌سال و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه‌ی مصدوم محکوم می‌گردد.»

در ماده‌ی ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱هـ. ش. همین موضوع مورد بحث قرار گرفته است و مقنن مجازات را ۶ ماه تا ۲ سال حبس تعیین کرده که در مقایسه با قانون سال ۱۳۷۵هـ. ش. به تخفیف مجازات گرایش پیدا کرده است. در ماده‌ی ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی چنانچه در اثر تخلفات رانندگی وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی صورت گیرد مرتکب، به حبس از ۲ ماه تا ۶ ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه‌ی مصدوم محکوم می‌شود. در همین مورد، ماده‌ی ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است که شخص مرتکب، به ۳ ماه تا یکسال حبس و نیز پرداخت دیه در صورت مطالبه‌ی مصدوم، محکوم می‌شود. به‌علاوه، در پایان این ماده قید شده بود که با گذشت مصدوم، تعقیب مجرم یا اجرای حکم متوقف می‌شود؛ با این توضیح که این جرم قبلاً قابل گذشت بوده است در حالی که امروز قابل گذشت نیست.

## نتیجه

دیدگاه مبتنی بر این ایده که حمایت از حق مادر مبنای جرم‌انگاری سقط جنین را تشکیل می‌دهد سقط جنین را اخراج جنین از رحم قبل از اتمام دوران بارداری تعریف می‌کند. از این منظر، از آنجا که مادر حق برخوردار از دوران بارداری را دارد حتی اگر جنین از رحم خارج شده و زنده هم باشد باز هم جرم سقط جنین محقق گردیده است. این دیدگاه که از سوی مقنن فرانسوی اتخاذ شده است صرف محروم کردن مادر از دوران بارداری را واجد وصف مجرمانه قلمداد می‌کند و این امر صرف‌نظر از آن است که جنین زنده متولد شده یا از بین برود لذا ملاک تحقق جرم، انقطاع عمدی دوران بارداری است؛ بر پایه این رویکرد، سقط جنین جرمی مطلق به‌شمار می‌آید که تحقق آن منوط به وقوع نتیجه یعنی سلب حیات جنین نمی‌باشد اما دیدگاه حاکم بر قانون مجازات اسلامی مبتنی بر این اندیشه است که حق حیات جنین در رحم در دوران بارداری باید از سوی قانون‌گذار کیفی مورد حمایت قرار گیرد لذا ارزش مورد حمایت در جرم‌انگاری سقط جنین در قانون مجازات اسلامی حق حیات جنین می‌باشد. بدین‌سان، سقط جنین در این قانون جرمی مقید محسوب می‌گردد که تحقق آن موکول به آن است که حق حیات جنین سلب شود لذا در این رویکرد، برای تحقق جرم سقط جنین، جنین نه تنها از حق حیات خود در رحم در دوران بارداری محروم می‌شود بلکه باید در عالم خارج نیز از بین برود.

لذا در جرم‌انگاری سقط جنین، قانون‌گذار ایران حق حیات جنین را نسبت به حق برخوردار از دوران بارداری مادر از دوران بارداری، مرجح تلقی نموده است. افزون بر این، محل نزاع دیگر در خصوص ماده‌ی ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی است که قانون‌گذار از عبارت «دیه یا قصاص حسب مورد» استفاده نموده است و این

پرسش مطرح گردیده است که: آیا قانون‌گذار، سقط جنین را از اقسام قتل تلقی نموده است یا خیر؟ همان‌گونه که در بحث از عناصر متشکله‌ی جرم سقط جنین مشخص گردید نگارندگان مقاله معتقدند که نخست، قصاص مندرج در ماده‌ی ۶۲۲ ناظر به بحث ولوج روح نیست بلکه در اینجا چون ضربه‌ای به مادر وارد می‌شود ممکن است این ایراد ضرب، مستوجب قصاص یا دیه باشد [۱]. دوم اینکه اگر قصاص را برای سقط جنین به‌عنوان مجازات این جرم بپذیریم در واقع دو مجازات حبس و قصاص را برای جرم واحد سقط جنین در نظر گرفته‌ایم که این مسأله با اصول حاکم بر حقوق جزا مغایرت دارد. مضافاً آنکه برای جرم قتل، قانون‌گذار تنها یک مجازات یعنی قصاص را مقرر داشته است.

سوم اینکه اگر قصاص را برای جرم سقط جنین در ماده‌ی ۶۲۲ بپذیریم لزوماً باید آن را به مواد ۶۲۳ و ۶۲۴ نیز تسری داد در حالی که در این موارد، مقنن کیفری، قصاص را مقرر نکرده است؛ لذا چگونه ممکن است که تغییر شیوه‌ی ارتکاب سقط جنین از فیزیکی به شیمیایی حکم مجازات جرم را دست‌خوش تغییر نماید؟! چهارم اینکه چنانچه بنای مقنن بر آن بود که سقط جنین را از اقسام قتل به‌شمار آورد باید موضوع در کتاب قصاص مطرح می‌گردید و نه در کتاب تعزیرات؛ لذا سقط جنین از اقسام قتل نبوده و مبنای جرم‌انگاری سقط جنین نیز حمایت کیفری قانون‌گذار از حق حیات جنین در دوران بارداری می‌باشد و به همین دلیل سقط جنین ناظر است به اخراج عمدی از رحم به شرط آنکه قابل زیست نباشد.

بدین ترتیب باید پذیرفت که اتخاذ مبنایی واحد و دارای ضابطه درباره‌ی دلیل جرم‌انگاری سقط جنین لازمه‌ی اتخاذ یک سیاست تقنینی واحد در قبال نحوه‌ی واکنش کیفری نسبت به مرتکبان این جرم می‌باشد و مادامی که این مبنا تبیین

نگردد چگونگی تفسیر عناصر متشکله‌ی این جرم و مجازات مقرر برای آن بر پایه‌ی اصول و قواعد تفسیر جزایی در حقوق جزای پزشکی نبوده و چه بسا ملهم از دیدگاه‌هایی باشد که با موازین فقه جزایی و قواعد حاکم بر نظام حقوقی ایران منطبق نمی‌باشند.

## بی‌نوشت

۱- لایحه‌ی قانون مجازات اسلامی که در حال بررسی جهت تصویب است نیز مؤید دیدگاه نگارندگان مقاله حاضر می‌باشد مبنی بر اینکه سقط جنین اساساً از اقسام قتل به شمار نمی‌آید. این امر صرف‌نظر از آن است که ولوج روح در جنین صورت گرفته باشد یا خیر: ماده‌ی ۳۱۳-۶ از لایحه‌ی قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: «سقط عمدی جنین حتی پس از دمیده شدن روح در آن قصاص ندارد و محکوم به پرداخت دیه است و در صورتی که بدون مجوز قانونی باشد، طبق مقررات تعزیر می‌شود.»

## فهرست منابع

- Asman, O. (2004). Abortion in Islamic countries: Legal and religious aspects. *Medicine and Law*, 23: 73-89.
- Bowen, D. L. (1997). Abortion, Islam, and the (1994) Cairo Population Conference. *International Journal of Middle East Studies*, 29: 161-84.
- Code Penal (2010), Dauoz, Art. 223-10 ets.
- Hedayat, K. M., Shooshtarizadeh, P., Raza, M. (2006). Therapeutic abortion in Islam: Contemporary views of Muslim Shi'ite scholars and effect of recent Iranian legislation. *Journal of Medical Ethics*; 32(11): 652-7.
- Kaptein, N. J. G. (2004). The voice of the ulama: Fatwas and religious authority in Indonesia. *Archives des sciences sociales des religions*, 125: 115-30.
- Maguire, D. C. (2001). *Contraception and abortion in Islam. Sacred Choice: The Right to Contraception and Abortion in Ten World Religions*. Minneapolis, MN: Augsburg Fortress Press.
- Medoff, M. H. (2002). The determinants and impact of state abortion restrictions. *American Journal of Economics and Sociology*, 61(2): 481-494.
- Medoff, M. H. (2007). Price, restrictions and abortion demand. *Journal of Family and Economic Issues*, 28(4): 583-599.
- Outka, G., Brockopp, J. E. (2002). *Islamic Ethics of Life: Abortion, War and Euthanasia*. Columbia, SC: University of South Carolina Press.
- Sachedina, A. (2009). *Islamic Biomedical Ethics*, New York: Oxford University Press.
- Veron, M. (2002). *Droit Penal Special*, 9 ed., Paris: Armand Colin.
- Yusuf Ali, A. (2002). *The Meaning of the Holy Qur'an*. Maryland: Armana Publications.

عباسی، محمود - (۱۳۸۹)، حقوق جزای پزشکی، انتشارات حقوقی

عباسی، محمود - (۱۳۸۲)، سقط جنین، انتشارات حقوقی

محقق داماد، سید مصطفی - (۱۳۸۹)، فقه پزشکی، مؤسسه‌ی فرهنگی - حقوقی سینا

یادداشت شناسه‌ی مؤلفان

**جعفر کوشا:** عضو هیأت علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، رییس انجمن ایرانی جرم‌شناسی، رییس مرکز و کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو در دانشگاه شهید بهشتی

**امیر سماواتی پیروز:** پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، عضو هیأت علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، رییس کمیته‌ی پژوهش انجمن علمی حقوق پزشکی ایران، رییس کتابخانه و رییس گروه عدالت کیفری و حقوق بشر مرکز و کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو در دانشگاه شهید بهشتی. (نویسنده‌ی مسؤل)

نشانی الکترونیکی: samavatipirouz.amir@gmail.com

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۸۹/۶/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۸/۲۶